

کیفیت زندگی در مدرسه و نقش آن در پیش‌بینی هوش هیجانی دانش‌آموزان ادریس دشتی^۱، کیوان صالحی^۲، آزاد الله کرمی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی وضعیت کیفیت زندگی در مدرسه و نقش آن در پیش‌بینی هوش هیجانی اجرا شد. روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری مطالعه حاضر، تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه پنجم و ششم ابتدایی شهرستان ثلاث باباجانی است که در سال ۹۴-۹۳ مشغول به تحصیل (۴۲۰ نفر) بوده‌اند. با توجه به جدول مورگان و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه (۹۰ نفر پسر و ۱۱۰ نفر دختر) انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند، برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه کیفیت زندگی در مدرسه اینلی و بورک و پرسشنامه هوش هیجانی شریانگ استفاده شد که روایی محتوایی آنها مورد تایید اساتید صاحب‌نظر قرار گرفت و پایایی آنها با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۵ بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری استفاده شد. نتایج نشان‌داد که بین دانش‌آموزان دختر و پسر هم از نظر هوش هیجانی و هم از نظر کیفیت زندگی، تفاوت معناداری وجود دارد و همچنین بین کیفیت زندگی در مدرسه و مولفه‌های آن با هوش هیجانی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: کیفیت زندگی، هوش هیجانی، دانش‌آموزان.

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۴/۳

۱. کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی (دوره مجازی) دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)

dashti7510@gmail.com

۲. استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، keyvansalehi@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تکنولوژی آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی، azad.a.karami@gmail.com

مقدمه

در طول سال‌های گذشته، هوش هیجانی به عنوان بینی‌کننده مهارت‌های ارتباطی مطرح شده است و به عنوان سازه‌ای روانشناختی برای تبیین تفاوت‌های بین افراد در زمینه توانایی‌های آنها بکار برده می‌شود (بورکیویز^۱، ۲۰۱۵) و تعدادی از محققین آن را در در روابط بین افراد مهم دانسته‌اند (چری، فلچر، سالیوان^۲، ۲۰۱۳). اصطلاح هوش هیجانی برای اولین بار در ۱۹۹۰ و به عنوان نوعی از هوش اجتماعی^۳ توسط مایر و سالوی مطرح شد. (مایر و سالوی^۴، ۱۹۹۰). سالوی و جان مایر هوش هیجانی را توانایی فرد در نظارت بر احساس‌ها و هیجان‌های خود و دیگران به منظور متمایز ساختن آنها از هم و استفاده از این اطلاعات برای هدایت اندیشه و عمل خود تعریف کرده‌اند (سیف، ۱۳۹۱).

در سال‌های اخیر مفهوم سازی‌های مختلفی از هوش هیجانی شده است. یکی از این مفهوم‌پردازی‌ها از طرف گلمن^۵ ارائه شده است که هوش هیجانی را در پنج بُعد خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی می‌باشد (شفیعی تبار، خداپناهی، صدق‌پور، ۱۳۸۷). در هوش هیجانی مهارت‌هایی وجود دارد که پردازش اطلاعات هیجانی را تسهیل کرده و باعث انسجام فکر می‌شود. بنابراین افرادی که به احساسات خود توجه کرده و آن را شناسایی و درک می‌کنند حالت خلقی خود را بازسازی می‌کنند می‌توانند تاثیر اتفاقات استرس‌زا را به حداقل رسانده و به راحتی با آنها مقابله کنند. در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی در مورد هوش هیجانی و پیامدهای آن در مدارس و رابطه آن با متغیرهای گوناگون انجام شده است. افراد با هوش هیجانی بالا داری مهارت‌های اجتماعی بالا و و کمترین تضاد با دیگران هستند (زیندر، ماتيو، روبرت^۶، ۲۰۰۹). امروزه هوش هیجانی از آن جهت موثر و مفید تلقی می‌شود که فرد را قادر سازد تا دانش، نگرش، ارزش‌های وجودی خود را به توانایی‌های واقعی و عینی تبدیل کند و بتواند از نیروهای وجودی در جهت شادابی و شادکامی و ایجاد زندگی مثبت بهره‌گیرد. شخصی که از هوش هیجانی برخوردار است به احراز موفقیت‌هایی نایل می‌شود و در

-
- 1 . Burkiewicz
 - 2 . Cherry, Fletcher, Sullivan,
 3. Social intelligence
 4. Salovey, Mayer
 5. Golman
 6. Zeidner Matthews, Roberts

جهت کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی توانمند خواهد بود. شناخت احساسات خود و دیگران به انسان کمک می‌کند تا بتواند عکس‌العمل‌های متفاوت و صحیح‌تری در محیط کار و تحصیل انجام دهد. امروزه دانش‌آموزان نیاز دارند که قادر باشند هیجان‌اتشان را اداره کنند، فعالانه درگیر و با احترام باشند، خودشان را برانگیزانند، تلاش‌شان را تقویت کنند و در گروه‌ها به طور مولد کار کنند.

شواهد نشان می‌دهد که افرادی که مهارت هیجانی بسیاری دارند یعنی کسانی که احساسات خود را به خوبی می‌شناسند و هدایت می‌کنند و احساسات دیگران را درک و به روشی اثر بخش با آن برخورد می‌کنند در هر حیطه‌ای از زندگی ممتاز هستند. افرادی که در مهارت‌های عاطفی‌شان به خوبی رشد یافته‌اند در زندگی خویش خرسند و کارآمد بوده و عادات فکری را در اختیار دارند موجب می‌شود آنها افرادی مولد و کارآمد باشند. افرادی که نمی‌توانند در زندگی عاطفی خود تسلط داشته باشند، درگیر کشمکش‌های درونی هستند و این امر می‌تواند از توانایی آنان در انجام کار متمرکز و تفکر روشن می‌کاهد (گلمن، ۱۳۸۰).

در جامعه امروز آموزش و پرورش به عنوان یکی از وسایل دسترسی به رشد و توسعه و پیشرفت است. و توجه به کمیت و مخصوصاً کیفیت آن یکی از عواملی است که در تداوم و توسعه جامعه و ابعاد مختلف آن دخیل است. در این میان آموزش و پرورش ابتدایی به عنوان یکی از زیرساخت‌های این نظام و اولین دوره رسمی و عمومی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. جامعه ما به برنامه‌های درسی دوره ابتدایی توجه چندانی معطوف نمی‌کند زیرا اعتقاد بر این است که به خاطر پایین بودن سن کودکان این دوره، آموزش در این دوره تخصص و کیفیت کمتری می‌طلبد و در نتیجه از ارزش کمتری برخوردار است. و این در حالی است که مقطع ابتدایی به عنوان یکی از مقاطع نظام آموزشی از اهمیت خاصی برخوردار است و حتی میزان بودجه‌ای که به آن اختصاص می‌یابد به عنوان یکی از ملاک‌های توسعه در نظر گرفته می‌شود (ایل بیگی و افشین منش، ۱۳۸۴).

مدرسه ابتدایی جایی است که نقش آن در زندگی کودک مخصوصاً در مقطع ابتدایی غیر قابل انکار است زیرا هم شیوه‌های جدید رفتاری را به کودک یاد می‌دهد و هم رفتارهای یاد گرفته شده قبلی را تقویت می‌کند (عظیمی، ۱۳۷۲). در این مکان کودکان در جهت کشف و توسعه توانایی‌های شخصی خود هدایت می‌شوند، با دانش، گرایش و ارزش‌هایی آشنا می‌شوند که

آنها را مبدل به اعضای وفادار دولت و جامعه‌ای که به آن تعلق دارند می‌سازد، یاد می‌گیرند که چگونه استعدادهای شخصی و علایق خود را در جهت رسیدن به اهداف خود به کار گیرند. از آنجا که درک فردی از زندگی یکی از مفاهیم مهم کیفیت زندگی است تنها در صورت وجود یک محیط با کیفیت و مطلوب و مورد علاقه دانش‌آموزان است که دانش‌آموزان از زندگی در مدرسه لذت برده و میزان موفقیت آنها در رسیدن به اهداف خود در مدرسه بیشتر می‌شود (بولند^۱، ۱۹۹۵، ترجمه عباسی، ۱۳۸۵).

مفهوم کیفیت زندگی قرن‌های متمادی همواره موضوعی چالش برانگیز بوده است. کیفیت زندگی عبارت است از ارزیابی و ادراک افراد از وضعیت زندگیشان بر اساس بافت فرهنگی و نظام ارزشی موقعیتی که در آن زندگی می‌کنند و ارتباطی که این عوامل با انتظارات، اهداف، معیارها و علایق شخصی آنها دارند (کارشکی، مومنی و قریشی، ۱۳۹۳). یکی از جامع‌ترین تعاریف در این حوزه، تعریف سازمان جهانی بهداشت است که کیفیت زندگی را درک افراد از موقعیت خود از زندگی در حیطه فرهنگی و ارزشی سیستمی که در آن زندگی می‌کنند و رابطه شان با اهداف، آرزوها و دغدغه‌هایشان عنوان می‌کند (بیات و بیات، ۱۳۹۱). کیفیت زندگی در مدرسه مولفه‌ایست که که در دهه اخیر به دلیل اهمیتی که در زندگی دانش‌آموزان داشته است مورد توجه قرار گرفته است و به عنوان سطح کیفیت ابعاد مختلف با زندگی در مدرسه تعریف شده است. در تعریفی دیگر، کیفیت زندگی در مدرسه عبارت است از بهزیستی و رضایت کلی دانش‌آموزان از جنبه تجارب مثبت و منفی که ریشه در فعالیت‌های درون مدرسه‌ای دارد (کارشکی، مومنی و قریشی، ۱۳۹۳). این تجارب مثبت و منفی که شکل دهنده ادراک کلی دانش‌آموز از میزان رفاه، بهزیستی و رضایت کلی وی از زندگی درون مدرسه‌ای می‌باشد و بیانگر سطح رضایت دانش‌آموزان از زندگی روزانه خود در مدرسه می‌باشد (آینلی و بورک^۲، ۱۹۹۲). بررسی‌ها نشان می‌دهد که همبستگی معناداری بین کیفیت زندگی ادارک شده و دانش‌آموزان در مدرسه با رضایت و نگرش شان نسبت به مدرسه، روابطشان با معلم و همسالان و پیشرفت وجود دارد. همچنین پژوهشگران دریافته‌اند که کیفیت زندگی دانش‌آموزان در مدرسه در مانند آنها در مدرسه، نگرش آنها درباره مدرسه رفتن، موفقیت تحصیلی، سطوح

1. Boland

2. bourke& Ainley

پیشرفت تحصیلی، پذیرش مسئولیت و تعهد در قبال تکالیف مدرسه و بروز نابهنجاری در مدرسه ارتباط دارد. سایر پژوهشگران نیز به رابطه کیفیت زندگی در مدرسه با احساس تعلق به مدرسه، مشارکت بیشتر در تکالیف و امور مدرسه، انگیزه بالای فراگیر مطالب درسی، نگرش مثبت نسبت به مدرسه و رابطه صمیمی تر و بهتر دانش آموزان با معلم و سایر همسالان و سلامت جسمی و روانی بهینه اشاره کرده اند (آینلی و بورک^۱، ۱۹۹۲).

در سال‌های اخیر مطالعاتی در مورد این دو متغیر صورت گرفته است. کلانتری، محمدی مغانی، تقی بیگللو، هنری^۲ (۲۰۱۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند بین هوش هیجانی و کیفیت زندگی در محیط کار رابطه دارد. ضیاء الدینی و نارویی^۳ (۲۰۱۳) در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه بین هوش هیجانی و کیفیت زندگی در محیط کار به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی و کیفیت زندگی با هم رابطه دارند. فرحبخش^۴ (۲۰۱۲) در تحقیق خود با عنوان نقش هوش هیجانی در افزایش کیفیت زندگی کاری در مدارس به این نتیجه دست یافت که هوش هیجانی می‌تواند ادارک فرد از محیط کاری را افزایش و سپس عملکرد فرد را افزایش دهد. کادیم، دامن، ورسچورن و بویز^۵ (۲۰۱۵) در تحقیق خود با عنوان تاثیر خودتنظیمی و رابطه معلم - دانش آموز بر اشتیاق تحصیلی دانش آموزان به این نتیجه دست یافتند که خودتنظیمی بیشتر دانش آموزان و روابط نزدیک آنها با معلم پیش‌بینی کننده اشتیاق تحصیلی دانش آموزان می‌باشد. گونز و کازو^۶ (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان مدلسازی تاثیر محیط مدرسه بر اشتیاق تحصیلی دانش آموزان به این نتیجه رسیدند که محیط مدرسه و امکانات تکنولوژیکی آن بر اشتیاق تحصیلی (رفتاری، شناختی، عاطفی) تاثیر دارد. نتایج یک پژوهش ملی بر روی جوانان نشان داد بیش از ۶۰ درصد جوانان مراکز استان‌ها، از وضعیت ساختمان‌ها، حیاط و فضای مدارس، تعداد دانش آموزان در کلاس، محدودیت امکانات و تجهیزات ناراضی هستند (ولایت، به نقل از ایسنا، ۱۳۸۳). میرصدوقی (۱۳۸۲) در تحقیق خود تحت عنوان بررسی رضایت از تحصیل در میان دانش آموزان قزوین به این نتیجه رسید که الف) بین رضایت دانش آموزان از مدرسه در تمام

-
1. bourke, Ainley
 2. Kalantari, Mohammadi Moghani, Taghibigloo, Honari
 3. Ziauddin, Naroei
 4. Farahbakhsh
 5. Cadima, Doumen, Verschueren, Buysse
 6. Gunuc, Kuzu

ابعاد تفاوت وجود دارد؛ ب) هرچه جو روانی اجتماعی کلاس مطلوب تر باشد انگیزه پیشرفت بیشتر است؛ ج) بین میزان رضایت از تدریس در بین کودکان شهر و روستا تفاوت وجود دارد؛ د) بین میزان رضایت از تحصیل در بین کودکان دختر و پسر تفاوت وجود دارد (احمدی، ۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان بررسی کیفیت زندگی روستائیان مهاجر شهرستان جواهرنورد، که در این تحقیق ۴۰۰ نمونه از روستائیان مهاجر مورد بررسی قرار گرفته که با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک صورت گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه و از روش تحقیق کمی استفاده شده و در پایان از بین متغیرهای مورد بررسی، متغیرهای میزان رضایت مندی، میزان همبستگی و ارتباط و میزان درآمد بیشترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته (کیفیت زندگی روستائیان مهاجر) داشته است و به طور کلی با توجه به نتایج تحقیق کیفیت زندگی روستائیان مهاجر در سطح بالایی قرار داشته است.

بهرامی (۱۳۷۸) در تحقیق خود با عنوان بررسی اثر بخشی هوش هیجانی بر ابزار وجود که به روش نیمه آزمایشی در دو گروه کنترل و آزمایش تعداد ۲۰ نفر از دانش آموزان دارای معدل تحصیلی پایین تر از ۱۲ را به صورت پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری مورد بررسی قرار داد نتایج تحقیق نشان داد آموزش هوش هیجانی بر ابزار وجود دانش آموزان تأثیر دارد. جوکار (۱۳۷۸) در تحقیق خود با عنوان نقش واسطه ای تاب آوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی به این نتیجه رسید که هوش عمومی و هیجانی به صورت مستقیم پیش بینی ضعیفی در رابطه با رضایت از زندگی دارند و همچنین نتایج این تحقیق نشان داد هوش هیجانی نسبت به هوش عمومی پیش بینی کننده قوی تر تاب آوری است و تاب آوری نقش واسطه بین انواع هوش و رضایت از زندگی دارد. احمدی و شیخ السلام (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان تعیین رابطه هوش هیجانی و مولفه‌های آن با رضایت از تحصیل در دانش آموزان دختر و پسر انجام داد. در این تحقیق که ۳۷۶ دانش آموز از دبیرستان‌های شهر شیراز به شیوه نمونه‌گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های هوش هیجانی. رضایت از تحصیل را تکمیل کرده اند. نتایج پژوهش حاکی از ارتباط بین هوش هیجانی و رضایت از تحصیل است. مایر و برسکمپ به نقل از میکائیلی (۱۳۷۶) معتقدند که دانش آموزان حاضر در یک کلاس انواع متفاوت آموزش، تکالیف، بازخورد را دریافت می‌کنند از دیدگاه انگیزشی معنای ذهنی

محیط یک عامل حساس در پیش‌بینی اجزای شناختی و عاطفی فرآیندهای انگیزشی است. پژوهش آمس (۱۹۹۲) به نقل از میکائیلی نشان داد که اگر دانش‌آموزان محیط را در ارتباط با تسلط درک کنند یعنی بدانند که آنچه در محیط آموزش مهم است پیدا کردن مهارتی خاص و یا حل کردن مسئله ایست انگیزش درونی بیشتری برای یادگیری و کار خواهند داشت. الا کولبورن و اولیگو سوتر^۱ (۲۰۰۶) در تحقیق خود با عنوان کیفیت رابطه سلامت در مدارس ایسلند به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنی‌داری در نمرات کیفیت زندگی دختران و پسران وجود دارد و نمرات دختران بالاتر از پسران است.

در سال‌های اخیر مفاهیم و متغیرهای زیادی در مدارس مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله متغیرهایی که در مدارس شهرستان ثلاث مورد بررسی قرار نگرفته است کیفیت زندگی دانش‌آموزان در مدرسه است که در بیشتر تحقیقات مورد غفلت قرار گرفته است. مسئله اصلی این پژوهش فقدان شناخت کافی در خصوص کیفیت زندگی در مدرسه و رابطه آن با هوش هیجانی است. لذا این پژوهش به دنبال آن است تا ضمن بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و هوش هیجانی در مدارس ابتدایی شهرستان ثلاث باباجانی، راه‌کارهایی را به منظور ارتقای وضعیت آن در این مدارس ارائه نماید.

فرضیات تحقیق

- ۱- بین دختران و پسران از نظر کیفیت زندگی در مدارس تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۲- بین دختران و پسران از نظر هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۳- ابعاد کیفیت زندگی در مدرسه قادر به پیش‌بینی هوش هیجانی در دانش‌آموزان می‌باشد.

روش

با توجه به اینکه این تحقیق به بررسی رابطه بین متغیرها و تبیین همپوشی تغییرات بین آنها می‌پردازد، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه پنجم و ششم ابتدایی شهرستان ثلاث باباجانی است که بر اساس آمار موجود در سازمان آموزش و پرورش شهرستان مذکور، ۴۲۰ نفر می‌باشند. با توجه به اینکه در این پژوهش، نسبت تعداد دختران و پسران در دو پایه پنجم و ششم متفاوت است، لذا مناسب‌ترین روش برای رعایت

1. Erlakolburn, brinjaorlygsdottir

تعداد زیر طبقه‌ها، نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای^۱ است که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. در این پژوهش با استفاده از جدول مورگان حجم نمونه منتخب، ۲۰۰ نفر برآورد شد که ۹۰ نفر پسر و ۱۱۰ نفر دختر مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق، پرسشنامه است که در آن از طیف لیکرت استفاده شده است. برای گردآوری داده‌های مربوط به کیفیت زندگی از پرسشنامه کیفیت زندگی در مدارس (اینلی و بورک^۲) استفاده شد که شامل خرده‌مقیاس‌های رضایت عمومی، عواطف منفی، رابطه با معلم، فرصت، پیشرفت، ماجراجویی، انسجام اجتماعی است. در پژوهش سلطانی شال، کارشکی، آقا محمدیان، عبدخدایی، بافنده (۱۳۹۰) روایی همگرایی پرسشنامه کیفیت زندگی در مدرسه با بررسی همبستگی آن با پرسشنامه‌های خودکارآمدی عمومی و مقیاس سازگاری نوجوانان محاسبه و تایید گردید. همچنین پایایی پرسشنامه یا همسانی درونی آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه گردید، ۰/۸۵ صدم گزارش شده است. برای سنجش هوش هیجانی از پرسشنامه هوش هیجانی سیریاشرینگ استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۳۳ سؤال با مقیاس لیکرت است که از پنج خرده‌مقیاس خودآگاهی، خودکنترلی، خودانگیزی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی (مدیریت روابط) تشکیل شده است این آزمون در سال ۱۳۸۰ توسط بهزاد منصوری هنجاریایی شده است که ضریب پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ بدست آمده که نشانگر پایایی در سطح قابل قبولی است. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین، فراوانی، انحراف استاندارد و...) و از آمار استنباطی از آزمون تی مستقل برای مقایسه بین دختران و پسران و برای بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و هوش هیجانی از همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها

به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش، در ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناسی و یافته‌های توصیفی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه به ترتیب هر یک از فرضیه‌های پژوهشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از بین ۲۱۰ نفر آزمودنی انتخاب شده، ۱۰۰ نفر یعنی ۴۶/۷ درصد پسر و ۱۱۰ نفر یعنی ۵۱/۴ درصد دختر می‌باشند. یافته‌های توصیفی به دست آمده در مورد تحصیلات پدر در ۲۱۰

1. Stratified sampling

2. Bourke & Ainley

آزمودنی نشان داد. ۳۱ نفر یعنی ۱۴/۵ درصد بیسواد، ۱۳۰ نفر یعنی ۶۰/۷ درصد ابتدایی، ۳۱ نفر یعنی ۱۴/۵ درصد دیپلم، ۱۵ نفر یعنی ۷ درصد را لیسانس و ۳ نفر یعنی ۱/۴ درصد را لیسانس به بالا تشکیل می‌دهد. و از مادران نیز ۵۲ نفر یعنی ۲۴/۳ درصد بیسواد، ۱۴۵ نفر ۶۷/۸ درصد را راهنمایی، ۸ نفر یعنی ۳/۷ درصد را دیپلم، و ۵ نفر یعنی ۲/۳ درصد لیسانس هستند. از لحاظ وضعیت زندگی، از بین ۲۱۰ نفر آزمودنی ۹۴/۴ درصد با والدین زندگی می‌کنند و ۵/۶ درصد جدا از والدین زندگی می‌کنند. از لحاظ میزان درآمد آزمودنی در مورد وضعیت درآمد ۹۰ نفر از آزمودنی‌ها ۵۰۰۰۰۰ و پایین‌تر، ۹۰ نفر معادل ۴۲/۹ درصد دیگر درآمد ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ تومان داشته و ۲۴ نفر باقیمانده یعنی ۱۱/۴ درصد، ۱۵۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ تومان درآمد دارند. ۴۴/۸ درصد از آزمودنی‌ها یعنی ۹۵ نفر در پایه پنجم مشغول به تحصیل بوده و ۱۱۵ نفر معادل ۵۵/۲ درصد از آزمودنی‌ها در پایه ششم مشغول به تحصیل هستند.

جدول ۱. مربوط به میانگین و انحراف معیار نمرات کیفیت زندگی و هوش هیجانی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره	حداکثر نمره
کیفیت زندگی	۲۱۰	۱۳۰/۳۰	۳۷/۷۵	۶۲	۲۱۷
هوش هیجانی	۲۱۰	۸۵/۰۲	۲۰/۱۶	۳۸	۱۳۲

همانگونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود میانگین نمره کیفیت زندگی در بین دانش آموزان ۱۳۰/۳۰ و انحراف استاندارد آن ۳۷/۷۵ می‌باشد و میانگین نمره هوش هیجانی در بین دانش آموزان ۸۵/۰۲ و انحراف استاندارد آن ۲۰/۱۶ می‌باشد. در ادامه هر یک از فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

فرضیه اول: بین دختران و پسران از نظر کیفیت زندگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۲. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین کیفیت زندگی در بین دختران و پسران

کیفیت زندگی	میانگین	انحراف استاندارد	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری
پسر	۱۰۹/۱۹	۴۳/۱۰	-۹/۱۱	۲۰۸	۰/۰۰۱
دختر	۱۴۹/۴۹	۱۶/۲۷			

همانگونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود بین میانگین دانش آموزان پسر (۱۰۹/۱۹) و میانگین دانش آموزان دختر (۱۴۹/۴۹) با درجه آزادی ۲۰۸ و $t = -9/11$ در سطح معناداری $0/001 < p$ تفاوت وجود دارد بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۹ درصد فرض پژوهشی تایید می‌شود. یعنی بین دانش آموزان پسر و دختر تفاوت وجود دارد.

فرضیه دوم: بین دختران و پسران از نظر هوش هیجانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین هوش هیجانی در بین دختران و پسران

هوش هیجانی	میانگین	انحراف استاندارد	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری
پسر	۷۶/۹۲	۲۰/۷۴	-۶/۰۰۳	۲۰۸	۰/۰۰۱
دختر	۹۲/۴۰	۱۶/۵۴			

همانگونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود بین میانگین دانش آموزان پسر (۷۶/۹۲) و میانگین دانش آموزان دختر (۹۲/۴۰) با درجه آزادی ۲۰۸ و $t = -۶/۰۰۳$ در سطح معناداری $p < ۰/۰۰۱$ تفاوت وجود دارد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۹ درصد فرض پژوهشی تایید می شود یعنی بین دانش آموزان پسر و دختر تفاوت وجود دارد.

فرضیه سوم: ابعاد کیفیت زندگی در مدرسه قادر به پیش بینی هوش هیجانی در دانش آموزان می باشد.

جدول ۴. ضریب همبستگی بین ابعاد کیفیت زندگی با هوش هیجانی

کیفیت زندگی	عواطف منفی	رابطه با معلم	فرصت	پیشرفت	ماجرا	انسجام	رضایت
هوش هیجانی	۰/۱۲۶	۰/۵۵۴**	۰/۶۱۵**	۰/۵۱۴**	۰/۵۶۴**	۰/۵۱۳**	۰/۵۲۱**

$$p < ۰/۰۵ \quad p < ۰/۰۱$$

همانگونه که در جدول شماره ۴ دیده می شود بین کیفیت زندگی و هوش هیجانی $r = ۰/۶۱۵$ در سطح معناداری ۹۹ درصد رابطه معناداری وجود دارد. از ابعاد کیفیت زندگی ابعاد رابطه با معلم ($r = ۰/۵۵۴$)، بعد فرصت ($r = ۰/۶۱۵$)، بعد پیشرفت ($r = ۰/۵۱۴$)، بعد ماجرا ($r = ۰/۵۶۴$)، انسجام ($r = ۰/۵۱۳$)، رضایت ($r = ۰/۵۲۱$) با هوش هیجانی در سطح معناداری ۹۹ درصد همبستگی مثبت وجود دارد. اما بین بعد عاطفه منفی با هوش هیجانی رابطه معناداری دیده نشد.

جدول ۵. خلاصه مدل به دست آمده از رگرسیون چند متغیره به روش همزمان بر اساس ابعاد کیفیت زندگی

مدل	مجموع	درجه	میانگین	آماره F	ضریب	مجذور	ضریب	دوربین	سطح
رگرسیون	مجذورات	آزادی	مجذورات	همبستگی	همبستگی	همبستگی	همبستگی	واتسون	معناداری
رگرسیون	۳۷۷۴۵/۸۵	۷	۳۱۴/۱۲	۲۳/۰۴	۰/۶۶	۰/۴۴	۰/۴۲	۱/۸۳	۰/۰۰۰
باقی مانده	۴۷۲۶۷/۹۷	۲۰۲	۲۳/۵۵						
کل	۸۵۰۱۳/۸۲	۲۰۹							

جدول ۶. ضرایب معادله رگرسیون چند متغیره بر اساس ابعاد کیفیت زندگی

متغیرهای پیش بین	ضرایب استاندارد نشده	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد شده	آماره تی	سطح معنی داری
ضریب ثابت	۴۳/۳۴	۴/۳۴		۱۰/۶۶	۰/۰۰۱
رضایت	-۰/۴۳۸	۰/۳۵۶	-۰/۱۵۵	-۱/۲۲	۰/۲۲۰
عواطف منفی	۰/۰۵۲	۰/۲۵۵	۰/۰۱۳	۰/۲۰۵	۰/۸۳۸
رابطه با معلم	۰/۲۱۵	۰/۴۳۸	۰/۰۶۲	۰/۴۹۱	۰/۶۲۴
فرصت	۱/۵۰	۰/۳۷۶	۰/۵۲۸	۳/۹۹	۰/۰۰۱
پیشرفت	۰/۶۲۶	۰/۱۶۴	۰/۲۶۱	۳/۸۲	۰/۰۰۱
ماجراجویی	۰/۷۵۲	۰/۴۲۸	۰/۱۹۸	۱/۷۵	۰/۰۸۱
انسجام اجتماعی	-۰/۴۱۸	۰/۳۳۲	۰/۱۵۹	-۱/۲۵	۰/۲۰۹

برای پیش‌بینی هوش هیجانی ابعاد کیفیت زندگی در مدرسه وارد معادله رگرسیون شدند نتایج تحلیل نشان داد که استفاده از این مدل معنادار است این مدل با ضریب تعیین ۴۴ درصد توان پیش‌بینی هوش هیجانی را در سطح $p < ۰/۰۰۱$ را دارد و از بین ابعاد کیفیت زندگی در مدرسه بعد فرصت با ضریب بتای ۰/۵۲۸، بعد پیشرفت با ضریب بتای ۰/۲۶۱، بعد ماجراجویی با ضریب بتای ۰/۱۹۸ توان پیش‌بینی هوش هیجانی را در جهت مثبت دارند. بین سایر ابعاد کیفیت زندگی با هوش هیجانی رابطه معناداری مشاهده نشده است.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی وضعیت کیفیت زندگی در مدرسه و نقش آن در پیش‌بینی هوش هیجانی اجرا شد. نتایج تحلیل نشان داد که بین دانش آموزان دختر و پسر هم از نظر هوش هیجانی و هم از نظر کیفیت زندگی تفاوت معناداری وجود دارد و دختران در هر دو زمینه نسبت به پسران وضعیت بهتری داشتند. در فرضیه سوم ابعاد کیفیت زندگی وارد معادله رگرسیون شدند تا هوش هیجانی را پیش‌بینی کنند نتایج نشان داد که بین کیفیت زندگی و هوش هیجانی به صورت کلی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. و از ابعاد کیفیت زندگی بعد فرصت با ضریب بتای ۰/۵۲۸، بعد پیشرفت با ضریب بتای ۰/۲۶۱، بعد ماجراجویی با ضریب بتای ۰/۱۹۸ توان پیش‌بینی هوش هیجانی را در جهت مثبت دارند، این یافته‌ها با نتایج مطالعات نس و سگرستروم^۱ (۲۰۰۶)؛ احمدنژاد و همکاران (۱۳۹۱) و یوسفی و صفری (۱۳۸۸) همسو می باشد.

در تبیین تفاوت بین دختران و پسران از نظر هوش هیجانی می‌توان گفت که دختران توانایی بیشتری در برقراری ارتباطات اجتماعی دارند و این برقراری ارتباطات در طول زمان باعث می شود تا هوش هیجانی و ادراک آنها از هیجانات خود و دیگران بیشتر است. در نظام آموزشی ما مولفه‌هایی مانند کیفیت زندگی فراگیران و هوش هیجانی نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارند. کیفیت زندگی عبارت است از ادراک افراد از وضعیت زندگی در قالب فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه در راستای اهداف، انتظارات، استانداردها و علایق شخصی افراد است بر این اساس کیفیت زندگی ارتباط تنگاتنگی با وضعیت جسمی روانشناختی اعتقادات شخصی میزان خود اتکایی، پیشرفت و ارتباطات دارد. در واقع کیفیت زندگی هر فرد

1. Nes & Segerstrom

به درک منحصر به فرد وی از زندگی بستگی دارد و اینکه زندگی، با وجود ارتباطی که وی با خانواده، دوستان و جامعه دارد به چه میزان ارضاء کننده است. از طرف دیگر افرادی که از هوش هیجانی بیشتری برخوردارند موفقیت بیشتری کسب می‌کنند هوش هیجانی توانایی تشخیص درست هیجان‌ها و عواطف دیگران و پاسخ متناسب به آنها، همچنین برانگیختن، آگاهی و نظم بخشیدن و کنترل پاسخ‌های هیجانی خویشان می‌باشد. هوش هیجانی با شناخت فرد از خود و دیگران، ارتباط با دیگران، سازگاری و انطباق با محیط پیرامون که برای موفق شدن در برآوردن خواست‌های اجتماعی لازم است ارتباط دارد و یک توانمندی تاکتیکی در عملکرد فردی محسوب می‌شود (یگانه، سلطانی شال، کافی، خانعلیزاده، ۱۳۹۱).

وجود استرس‌ها و اضطراب‌های دوران تحصیلی، کیفیت پایین محیط زندگی، سلامت روانشناختی پایین و کیفیت پایین ارتباطات و روابط اجتماعی سایر عملکردهای دانش‌آموزان از جمله پیشرفت تحصیلی آنان را تحت تأثیر قرار داده و سبب افت تحصیلی آنها می‌گردد (فلمنینگ، شچارد، مانگان، تایلر، ۲۰۰۶). در تبیین رابطه بین کیفیت زندگی و هوش هیجانی می‌توان گفت که به طور کلی دانش‌آموزان با برخورداری از سطح کیفیت زندگی مناسب می‌توانند با برقراری شبکه‌های اجتماعی قویتر، حمایت اجتماعی، ثبات عاطفی، پیش‌بینی اهداف مطلوب در آینده و سازش یافتگی مؤثر با عوامل تنیدگی‌زای محیطی به پیشرفت تحصیلی مناسبی دست یابند یعنی دانش‌آموزانی کیفیت زندگی بالایی در مدرسه را تجربه می‌کنند ذهنیت مثبتی نسبت به مدرسه پیدا می‌کنند این ذهنیت مثبت باعث می‌شود تا این دانش‌آموزان نسبت به خود و توانایی خود تصور مثبتی پیدا کنند. این توانایی مثبت می‌تواند میزان خودآگاهی دانش‌آموزان را افزایش داده و به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا هیجان‌ات خود را کنترل کرده و نسبت به هیجان‌ات دیگران نیز شناخت کسب کرده آنها را ادراک کنند و در مواقع چالش برانگیز بتوانند هیجان‌ات مثبتی از خود نشان دهند. سالوی و مایر (۱۹۹۷) معتقدند که هوش هیجانی متضمن موفقیت فرد می‌باشد. افراد با هوش هیجانی بالا برای واکنش‌های هیجانی اهمیت بیشتری قائل هستند و در احساس خود از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردارند و دارای حس وظیفه‌شناسی هستند و در جهت پیشرفت تحصیلی گام بر می‌دارند. لذا انجام اقدامات لازم برای افزایش این هوش در دانش‌آموزان در مدرسه می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان باشد. کیفیت زندگی در مدرسه و مولفه‌های آن می‌تواند به

- عنوان عاملی برای تقویت هوش هیجانی دانش‌آموزان بکار برود. در ادامه و مبتنی بر یافته‌های مطالعه حاضر و به منظور بهبود شرایط موجود را کارهای زیر پیشنهاد می‌شود:
۱. دوره‌های مستمر و با کیفیت ضمن خدمت در زمینه ارتقای مهارت‌های زندگی برای معلمان با محوریت بهبود کیفیت زندگی حرفه‌ای آنها در مدرسه و بهبود تعامل با دانش‌آموزان، برگزار شود.
 ۲. با برگزاری کارگاه‌های منظم و به‌روز، سطح و کیفیت مهارت‌های مورد نیاز معلمان، دانش‌آموزان برای استفاده بهینه از زمان حضور آنها در مدرسه، تقویت گردد.
 ۳. مشاور و عوامل مدرسه گاه به گاه، در کلاس حضور یابند که بتوانند وضعیت دانش‌آموزان را از نزدیک بررسی کرده و برای رفع مشکلات و استرس‌های آنها برنامه‌ریزی نمایند.
 ۴. کارگاه‌هایی به منظور تقویت ارتباطات سازنده بین معلم، مدیران، کارکنان و دانش‌آموزان و در نهایت ارتقای هوش هیجانی آنها در مدرسه برگزار شود.
 ۵. با برگزاری کلاس‌های روان‌شناسی و دعوت از روانشناسان و متخصصان متعهد در مدرسه، کلاس‌هایی برای آموزش دادن به اولیا دانش‌آموزان و آگاه کردن آنها از نحوه برخورد صحیح با دانش‌آموزان برگزار شود.
 ۶. دوره‌های مستمر ضمن خدمت در نحوه برخورد با دانش‌آموزان پرخاشگر و پراسترس برای معلمان برگزار نمود.

منابع

- احمدنژاد، محمود؛ حسنی، محمد؛ سپهریان آذر، فیروزه و شجاعی، خه بات. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و کیفیت زندگی کاری با سازگاری شغلی در بین معلمان رسمی و حق‌التدریس مقطع ابتدایی شهرستان سردشت در سال تحصیلی ۹۰-۸۹. **پژوهش در برنامه ریزی درسی**. سال نهم، شماره ۵.
- احمدی، ساره؛ شیخ‌الاسلام، آمینه. (۱۳۸۹). رابطه هوش هیجانی و رضایت از تحصیل. **مجله علوم رفتاری**، دوره ۵ (۲)، ص ۱۴۲-۱۳۵.
- احمدی، وزیر. (۱۳۸۷). **بررسی کیفیت زندگی روستاییان مهاجر شهر جوانرود**، رشته جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- بهرامی، منصور. (۱۳۷۸). **بررسی اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر ابزار وجود، فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز** سال سوم شماره ۱۱ پاییز.

تورانی، حیدر. (۱۳۸۰). **کیفیت بخشی آموزش و پرورش دوره ابتدایی با رویکرد کیفیت جامع نگر**. تهران: نشر قو

تتو بولند، جوس لچرت. (۱۹۹۵). **آموزش و پرورش دبستانی**. ترجمه پروین عباسی (۱۳۸۵). انتشارات راقم. جوکار، بهرام. (۱۳۷۸). **هنجاریابی مقیاس دوآزمون هوش فرهنگ نابسته کتلبرای کودکان مدارس ابتدایی و**

راهنمایی شهر شیراز، **مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، ۱۴(۱)، ۴۰ (۱) شفیع تبار، مهدیه؛ خداپناهی، محمد کریم؛ صدق پور، صالح. (۱۳۸۷). **رابطه بین هوش هیجانی و عوامل پنجگانه شخصیت در دانش آموزان. مجله علوم رفتاری**. ۲(۲).

صدری، اسماعیل؛ اکبرزاده، نسرين؛ پوشنه، کامبیز. (۱۳۸۷). **تأثیر برنامه آموزش مهارتهای اجتماعی - هیجانی بر هوش هیجانی دانش آموزان. مجله پژوهشهای روانشناختی**، ۱۱ (۳ و ۴).

کاترین، لوئیس (۱۳۸۱). **تجارب آموزشی ژاپنی ها در مدارس پیش دبستانی و ابتدایی**. (ترجمه ایل بیگی طاهر، شیده و افشین حسین منش). تهران: انتشارات سازوکار

کارشکی، حسین؛ مومنی مهموئی، حسین؛ قریشی، بهجت. (۱۳۹۱). **رابطه انگیزش تحصیلی و کیفیت زندگی دانش آموزان مشمول ارزشیابی توصیفی با ارزشیابی سنتی. فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی**. ۱۱(۱۳).

گلمن، دانیل. (۱۳۸۰). **هوش هیجانی**، ترجمه نسرين پارسا. تهران. انتشارات رشد یگانه، طیه؛ سلطانی شال، رضا؛ کافی، سید موسی؛ و خانعلیزاده، عباسعلی. (۱۳۹۱). **بررسی ارتباط بین هوش**

هیجانی، مدیریت زمان و کیفیت زندگی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان. **مجله دانشگاه علوم پزشکی**

رفسنجان. دوره دوازدهم، خرداد

یوسفی، فریده و صفری، هاجر. (۱۳۸۸). **بررسی رابطه هوش عاطفی با کیفیت زندگی و ابعاد آن. مطالعات روانشناختی**. دوره ۵، شماره ۴.

Bourke, s., & Ainsley J. (1992). **Quality of school life and intentions for further education: the case of a rural high school**. Paper presented at annual conference of AARE. Adelaide

Burkiewicz, A. (2015). Structure of emotional intelligence among first year students of selected directions of medicine. **Social and Behavioral Sciences** 190.

Cadima, J., Doumen, S., Verschueren, K., & Buyse, E. (2015). Child engagement in the transition to school: Contributions of self-regulation, teacher-child relationships and classroom climate. **Early Childhood Research Quarterly**, Volume 32, 3rd Quarter 2015, Pages 1-12.

Cherry, M. G., Fletcher, I., & O'Sullivan, H. (2013). The influence of medical students' and doctors' attachment style and emotional intelligence on their patient-provider communication. **Patient Education and Counseling**, 93, 177-187.

Erlakolburn and brinjaorlygsdottir (2006). **Health-related quality of life in Icelandic school children**. Faculty of nursing. University of Iceland.

- Farahbakhsh, S. (2012). The role of emotional intelligence in increasing quality of work life in school principals. **Procedia - Social and Behavioral Sciences** 46 (2012) 31 – 35.
- Fleming D.A., & Sheppard V. B., & Mangan P. A., Taylor K. L., Tallarico, M., Adams, I., & Ingham, J. (2006). Caregiving at the end of life: perceptions of health care quality and quality of life among patients and caregivers. **J Pain Symptom Manag** 31(5): 407-20
- Gunuc, S., & Kuzu, A. (2015). **Confirmation of Campus-Class-Technology Model in student engagement: A path analysis**. Computers in Human Behavior, Volume 48, July 2015, Pages 114-125.
- Kalantari, P., Mohammadi Moghani, H., Taghibigloo, N., & Honari, H. (2012). The Relationship between Emotional Intelligence and Physical Education Teachers Working life Quality in Zanjan. **International Journal of Basic Sciences & Applied Research**. Vol., 1 (2), 30-34.
- Salovey, P. & Mayer, J.D. (1990). Emotional intelligence. **Imagination Cognition, and Personality**, 9-185-2
- Wang, M. T., & Holcombe, R. (2010). Adolescents' perceptions of classroom environment, school engagement, and academic achievement. **American Educational Research Journal**, 47, 633–662.
- Zeidner, M., Matthews, G., D., & Roberts, R. D. (2009). **What We Know about Emotional Intelligence: How It Affects Learning, Work, Relationships, and Our Mental Health**. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Ziauddin, M., & Naroei, H. (2013). Examined the Relationship between Emotional Intelligence and Quality of Working Life City Executive Personnel Khash. **International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences** November 2013, 3(11).

